

وضع موجود

جنگ



تحلیل سیاسی

حجه الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

برای تحلیل کامل جنگ جاری بین عراق و ایران، باید ابعاد گوناگون آن مورد بررسی قرار گیرد که در اینجا برخی از ابعاد این جنگ را مطرح میکنیم و جوانب دیگر آنرا بخواست خداوند متعال به آینده موکول مینمائیم.

انگیزه ها...

بنظر میرسد وضع کنونی جنگ و افقی گفاز آن به چشم میخورد، به نقطه مطلوبی رسیده است و در وضعیتی قرار دارد که نیروهای ما بر جبههها مسلط هستند. ولی صدام در این جنگ به بن بست رسیده است، و با وجود برخورداری از ابزار جنگی، نیروهایش روحیه

جنگیدن ندارند. آنها بیشتر به ابزار متکی هستند، ولی بکار بردن ابزار کارآسانی نیست، و بدون ایمان از ابزار کاری ساخته نیست. در حالیکه خوشبختانه نیروهای ما هم ابزار دارند و هم انگیزه که مهمتر از ابزار است. برای کار ما انگیزه داشتن نیروهای ما است. نیروهای ما میدانند که برای چه می جنگند؛ می جنگند تا متجاوز را بیرون کنند، می جنگند تا ملت عراق را راحت کنند، می جنگند که اسلام را اجرا کنند، ولی صدام برای سربازانش چه توجیهی دارد؟ سربازی که ماهها مثلا در دزفول یا جاهای دیگر در سنگر مانده است و هر لحظه فکر میکند چرا باید در اینجا باشد و وقتی انگشتش را روی ماشه میگذارد و اگر کمترین توجهی به خودش میکند برای چه این گلوله را میزند دستش

می لرزد و موقعی میزند که بخواهد از جانش دفاع کند. بهمین جهت انگیزه داشتن برای چه چیز جنگیدن و هدف مشخص و روحیه داشتن اینها همه مخصوص ما است. نیروهای ما در شرایط حاضر خیلی آرام و مسلط بر اعصاب خودشان در بسیاری از جبههها دفاع می کنند و در هر جایی مایل باشند حمله می کنند، آنجا که دفاع می کنیم مقدار لازم نیرو می گذاریم و آنجایی که خواهیم حمله کنیم نیرو متمرکز می کنیم و این نشانگر این است که جنگ در شرایطی قرار گرفته که ایران با امنیت خاطر و با انگیزه به خود و مردم و امکاناتی که میتواند تأمین کند، قادر است و لوانکه جنگ سالها طول بکشد صبر کند و با حوصله زیاد به جنگ ادامه دهد و این در حالی است که عراق در همه چیز متکی به دیگران است و حتی اخیرا از سودان و مصر

۱۰۰۰ سرباز وارد کرده است و همچنین کارگران عرب که در عراق مشغول کارندگذرد. نامه هایشان را می‌گیرند و با بول بیشتری آنها را به جبهه می‌فرستند. بنا بر این در مورد تامین نیرو هم ناچار است از نیروهای اجباری و سرباز وارداتی استفاده کند و تازه همانگونه که اشاره شد توجیه جنگ برای ملتش بسیار مشکل است، در صورتیکه ما اگر نخواهیم جنگ کنیم باید مردم را توجیه کنیم، چون دفاع مستلغای است که غیر انسان هم برای خودش طبیعی میدانند چه رسد به انسان که دفاع برای او حقی مسلم و طبیعی است و مردم بحق می‌خواهند که ما بجنگ ادامه دهیم، حتی بیشتر از آنچه الان می‌جنگیم از ما توقع دارند بنا بر این ما در مقابل مردم از ادامه جنگ سرافرازیم ولی مسئولان جنگ تحمیلی در عراق هیچ توجیهی برای مردم عراق ندارند.

تدارکات

اما در مورد تدارکات چون آنها در خارج از خاک خودشان می‌جنگند باید همه چیز را به جبهه بیاورند و با توجه به عدم همکاری و همراهی نیروهای مردمی (بر خلاف ما که قسمت عمده نیازهای غیر نظامی را مردم تدارک میکنند) و این که صدام ۱۰ الی ۱۲ لشکر را وارد جنگ کرده است و از سوی دیگر بنادر عمده عراق که در خلیج فارس بوده‌اند دستش رفته و باید تجهیزاتش را از کشورهای مانند کویت، عربستان و اردن و بنادر دور دست و آنهم اکثراً بصورت قاچاق وارد کند با این خصوصیات اداره و تدارکات جنگ برای آنها کار بسیار مشکلی است. در حالی که ما مهمات را خودمان می‌سازیم و نیروها را خود مردم تأمین می‌کنند و چون در خاک خودمان هستیم از امکانات بیشتری برخوردار داریم و نیروی کمتری را هم وارد میدان کرده ایم.

ابزار جنگ

اما در مورد ابزار، آن هم بین هر دو

طرف مشترک است و اگر چه گفته میشود که عراق ابزار بیشتری دارد ولی آن هم مورد قبول نیست و تصور میشود که از لحاظ ابزار هم وضع ما بهتر است، عراق کشور کوچکی است و با وجود جبهه وسیع جنگ، رساندن ابزار به تمام جبهه‌ها کار آسانی نیست.

گر چه عربستان و مصر، اردن، آمریکا و شوروی به صدام تجهیزات برسانند ولی از یک سو وقتی نیروهای ما به آنها هجوم میکنند، صدها توپ و تانک و تفنگ و خودرو و موثک و مهمات آنها را بغنیمت می‌گیرند و از سوی دیگر چون آنها زیاد متکی به ابزارند و میخواهند از خودشان دفاع کنند، مجبورند دیواری از آتش بسازند که هر لحظه آن میلیونها دلار هزینه بر میدارد و خرج عمده جنگ مهمات است در حالیکه ما بخش عظیمی از مهمات جنگ و اکثر گلوله‌هایی که مورد استفاده قرار میدهیم مخصوصاً گلوله‌های سبک را کارخانه‌های خودمان تولید می‌کنند، و از این نظر جنگ و صلح برای ما فرقی نمی‌کند چون همان خدماتی که در کارخانه‌ها کسار میکردند حالا هم کار میکنند منتهی اگر در سابق ۸ ساعت کار می‌کردند، الان ممکن است ۱۲ ساعت کار کنند گرچه در بسیاری از موارد در طول جنگ همان ۸ ساعت را کار کرده‌اند و اما آن بخش از مهمات که باید وارد کنیم

خیلی زیاد نیست و مجبور هم نیستیم که زیاد از آنها مصرف کنیم.

بودجه

گفتیم که چون جنگ ما جنگ ابزار نیست و چون جنگ متکی به مردم است وضع تدارکات ما بسیار خوب است و با آن که نیروهای اسلام در طول یکسال و نیم در وسعت ۸۰۰ کیلومتر در زمین و هوا و دریا می‌جنگند در عین مشکلات اقتصادی که بر ما تحمیل شده، طوری جنگ را اداره کرده‌ایم که بتوانیم جنگ را تحمل کنیم.

بودجه جنگی ما در سطحی است که مثل بودجه زمان صلح برخی از کشورها است یعنی در کل بودجه بیش از ۱۰٪ الی ۱۵٪ برای جنگ اختصاص نیافته است و این کار بسیار عظیمی است در حالی که کشورهایی مثل اسرائیل در زمان حاضر بیش از ۳۵٪ بودجه اش را صرف جنگ می‌کند و کشوری مانند عراق در حال عادی بیش از ۱۸٪ - ۲۰٪ بودجه اش به امور نظامی اختصاص دارد و در حال جنگ حدود ۸۰٪ از بودجه اش را صرف جنگ میکند بنا بر این ما در حال جنگ هم بودجه‌ای را برای جنگ تنظیم کرده‌ایم که اگر برای غیر حالت جنگ نیز همین بودجه تعیین میشد قابل قبول بود. پس بودجه هم به صورتی



پیشگاه علوم انسانی و مقالات فقهی

مقال جامع علوم انسانی

تنظیم شده است که قادر بر ادامه جنگ باشیم ولی اگر ما میخواستیم با انکار به ابراز آنهم از نوع پیشرفته آن بجنگیم مثلا هواپیماهایی داریم که میتواند موشکپاشی را پرتاب کند که اگر الان بخواهیم بخریم و بر فرض آن که به ما بفروشند برای هر یک از آن موشکها باید پانصد هزار دلار پرداخت کنیم و همچنین از موشک ناو بهمان مقدار که عراق مصرف می کند ما هم آن مقدار که داریم و امکان زدنش را هم داریم اگر میخواستیم بخریم باید ارقام نجومی پرداخت می کردیم ولی ما با آر بی جی میجنگیم که یک گلوفاش را مثلا هزار تومان میخریم و بوسیله آن یک تانک را میزنیم یا یک نفر بر را از کار میندازیم .

دشمنان ما که همان جنگ افروزهای اصلی دنیا هستند یکی از اهدافشان در جنگها همین است که ما اسلحههای پیچیده را به کار ببریم تا به قیمت گران از آنها بخریم . یکی از این هواپیماها که ساقط شود آنها بی اندازه خوشحال میشوند اگر فشنگی به یک هواپیما اصابت کند که مجبور به تعمیر آن شویم یا مثلا یکی از زیر دریاییها یا کشتیها و ناو - چهای ما وارد جنگ شود و غرق شود کارخانههای آنها جشن میگیرند به این امید که دو باره باید از آنها بخریم، ولی ما حاضر نیستیم آن طور بجنگیم و زیر بار آن هم نمیرویم و نیازهای جنگ را در حد موجود میتوانیم با تسلط حفظ کنیم، گر چه از دنیا هم قطع نمائیم .

نیروهای دشمن

در مورد نیروهای صدامی با تحلیلی از عملیات فتح میتوانیم به وضعیت آنها بی ببریم ، آنها دقیقا میدانستند که قصد حمله داریم و این چیزی نبود که مخفی باشد حتی بجدها میدانستند که قرار است حمله انجام گیرد و در مسجدها هم گفته شده بودوشنیدم امام جمعه یکی از شهرها هم در نماز جمعه گفته بود افراد عراقی هم که در همین عملیات اسیر شدند می گفتند ما دقیقا از حمله اطلاع

داشتیم و برخی از آنها می گفتند فقط دو سه روز بود که به این جبهه منتقل شده بودند آنها جای حمله را هم میدانستند و با آن که از جهت سازماندهی ، دو لشکر در آنجا داشتند با تزریق تیپهای مستقل حدود چهار لشکر با تمام امکاناتی که در اختیار داشتند در جبهه دزفول متمرکز کرده بودند با این همه وقتی ما زمان را مناسب دیدیم و حمله کردیم همانطور که برای همه معلوم شد فقط در طی چند ساعت جنگ ، آنها مثل کرباس از هم پاره شدند . آنها شب قبل از آغاز عملیات فتح در یکی از نقاط در همین جبهه به منظور این که برای حمله ما مانعی ایجاد کنند با اضافه کردن ۱۷۰ تانک بر تانکهای موجود در آن نقطه دست به یک حمله زدند که بیش از یکصد نفر از آنها اسیر گرفتیم و ما فقط ۶ شهید دادیم بنا بر این در حالی که آنها به هیچوجه قدرت حمله ندارند ما با این وسعت به آنها حمله کردیم و همانگونه که دیدیم آنها به آسانی با تسلیم شدند یا فرار کردند یا کشته شدند ، یعنی حدود بیست هزار نفر کشته و مجروح و بیش از پانزده هزار نفر اسیر شدند . اگر فرض کنیم در کارخانهای هم میرفتند و جمعیتی در این حد با چوب و جنگال و دندان هم دفاع می کردند اینگونه اسیر نمیشدند ولی آنها با آن هیکلپسای درخت قطار شدند و به اسارت افتادند، چرا که آنها بزور دینار و دلار و وعده و تهدید و گلوفه از پشت سر تبحی هستند که با تشویق و فشار ارتجاع منطقه و امیرالبنام که هستی - شان به این جنگ بستگی دارد روی پا نگاه داشته شده اند .

وضع سیاسی جنگ

وقتی صدام از تهاجم نظامی ما بوسر شده هجوم سیاسی دست زد به این منظور که جمهوری اسلامی را جنگ افروز و جنگ طلب معرفی کند ولی این تهاجم سیاسی هم به شکست انجامید چرا که خواستههایی که ما مطرح کرده ایم آنچنان صریح و روشن بود که

کسی نمیتواند خدشای بر آنها وارد کند ، وقتی ما میگوئیم متجاوز باید از خاک ما بیرون رود و متجاوز باید محاکمه شود و خسارت بدهد ، اینها اموری نیستند که کسی روی آنها حرفی داشته باشد و هر طرفی که این مسائل را مطرح کند دنیا به او حق میدهد .

علیرغم تمام تلاشهای تبلیغاتی دشمنان انقلاب اسلامی ، حقانیت ما بر ملتپاروشن شده است ، و حتی هیئتهای میانجیگر که به ایران می آیند هیچکدام در مذاکراتشان نمی توانند اشکالی بر مواضع ما بگیرند ، و هیچیک از آنها نتوانسته مدعی شود که شما حق ندارید بگوشه متجاوز باید از خاک ما بیرون برو د و باید خسارت بدهد و متجاوز باید محکوم شود ، تنها حرفی که میزنند این است که شما گذشته

**علیرغم تمام تلاشهای
تبلیغاتی دشمنان
انقلاب اسلامی ،
حقانیت ما بر ملتپا
روشن شده است .**



کنید تا نیروهای دو طرف کشته نشوند وقتی ما میگوئیم این گذشت ممکن است از جهت دیگر مضر باشد و باعث تشویق متجاوز گردد و اصل کیفر در هر قانونی برای تنبیه متجاوز مورد قبول است و اگر ما گناه به این بزرگی را بدون کیفر بگذاریم به اخلاقیات انسانی خسارت عمدهای وارد کرده ایم ، اینرا هم می پذیرند و این مطلب بیانگر این است که منطق ، واقعا قابل قبول است و هر کسی

وقتی مردم این آوارگان را می بینند ، ظلم مجسم صدام را مشاهده می کنند ،

و برای دفاع از حق آنان تشویق میشوند .

بنا بر این اکنون به طور کلی هیچ نقطه منفی در جنگ وجود ندارد غیر از خودجنگ که ذاتا یک امر منفی است و خسارات جانی و مالی که در پی دارد و جنبه منفی دارد و لسی نتایجی که در مقابل بدست می آید جبران آنها را میکند و بهر حال در دنیا خوب مطلق نداریم و امور نسبی است . و با کسروانکار و رعایت اهم و مهم آنچه که فایده اش بیشتر

خرج عمده جنگ مهمات است، در حالی که مابخش عظیمی از مهمات جنگ و اکثر گلوله هائی که مورد استفاده قرار می دهیم، کارخانه های خودمان تولید می کنند، و از این نظر جنگ و صلح برای ما فرق نمی کند.

است مورد توجه قرار می گیرد و رویهمرفته به تعبیر امام این جنگ برای ما نعمت است .

از نظر تلفات و شهدا گر چه یک شهید هم برای ما سنگین است ولی وقتی بنیاد شهید که آمار تقریبا دقیقی را در اختیار دارد ، رقم نهائی شهدا را اعلام کرد امیدواریم مردم ما زیاد متأسف نشوند زیرا که رقم سنگین نیست

جانبازان انقلاب و جنگ ما به تأسف بزرگی هستند و زندگی مشکلی خواهند داشت ولی افتخاراتی که آنها همراه دارند و با حمایت بیدریغ جامعه از آنان باید تا اندازه ای دعتشان جبران شود .

نیستند به خانه هایشان باز گردند بلکه آنان از ما مطالبه جنگ می کنند ، و اردوگاههای جنگ زدگان بهترین جای سربازگیری شده است ، بچه های آنان به میدان جنگ رفتند و از جنگ دست بر نمی دارند و خودشان در پشت جبهه مردم را به جنگ برمی انگیزانند . وقتی مردم این آوارگان را در اردوگاهها و شهرها و روستاها می بینند ، ظلم مجسم صدام را می بینند و برای دفاع از حق آنان تشویق میشوند ، این برای ما سازنده شده است ما برای انقلاب چیزی در میان مردم لازم داشتیم که مردم احساس کنند که باید فدا کاری کرد و باید از زندگی خودشان مایه بگذارند و حضور این آوارگان بهترین



وسیلای است که روحیه شرکت در جنگ را در مردم ایجاد می کند و به این ترتیب بود که این نقطه منفی که صدام فکر میکرد به ما تحمیل کرده است با جو انقلابی جامعه و ایمان مردم و خلوص جبهه ها به یک نقطه مثبت تبدیل شد .

خودش را جای ما بگذارد و منصفانه تصاویر کند حقانیت ما را می پذیرد .

آوارگان

وضع جنگ بجز یک نقطه مشکل و منفی که در پی داشته بسیار خوب است و آن مشکل هم با ایمان مردم بطرف یک نقطه مثبت تغییر کرده است نقطه منفی مسئله آوارگان جنگ است که عراق در حد ناچیزی با این مشکل روبرو میباشد و دلیل آن شیوه ای است که ما در جنگ داریم: ما هرگز به شهرها حمله نمی کنیم و با مردم طرف نیستیم و نمی خواهیم مردم را آواره کنیم ، در حالی که اگر میخواستیم خیلی آسان بود ، ما از ارومیه تا آبادان در سرتاسر مرزهایمان اگر فقط از تویپهای دوربردی که حدود ۴۸ کیلومتر برد دارد و فراوان هم داریم (غیر از حملات هوائی) استفاده می کردیم و آنها را بر شهرها و روستاهای مرزی عراق فرو میریختیم عراق بهمین اندازه که ما آواره داریم با بیشتر از آن ، آواره داشت ولی این جنایت بزرگی است که ما هرگز نمی توانیم مرتکب شویم .

بنا بر این حدود یک میلیون و نیم آواره جنگی و از طرفی بیش از یک میلیون آواره افغانی به اضافه معاودین عراقی مشکلی بود که قاعدتا باید بردوش ما سنگینی میکرد و در آغاز خائف بودیم که ما با این مشکل موجب شود که ما را وادار به تسلیم نمایند . خوشبختانه این پیش بینی معکوس شد و همین آوارگان جنگی و احساس مظلومیت آنان و فعالیت خوب و متمرکزی که بنیاد امور جنگ زدگان با کمک مردم در جهت تأمین مسکن و مدرسه برای بچه های آنان و کارهای فرهنگی که انجام داد ، طوری شد که اکنون خود جنگ زدگان انگیزه ، ادامه جنگ شده اند و آنها با ظلمی که به ایشان شده است اگر تا حدی جبران نشود و متجاوز و ظالم به کیفر نرسد حاضر



آینده جنگ

با ترسیمی که از وضعیت جنگ شد بخوبی میتوانیم حد بزنیم که آینده به سود ما خواهد بود و ما میتوانیم با محاسبه و مطالعه و سنجیدن نتایج و بدون عجله تصمیم بگیریم و اگر مصلحت دیدیم بهمین زودی عراقیها را بیرون می‌کنیم و در مرزهایمان می‌ایستیم و اگر مصلحت دیدیم وارد خاک عراق شویم و منطفق‌ای را بگیریم و بایستیم تا خساراتمان را بگیریم و صدام و حزب بعث را کیفر دهیم و اگر بیشتر مصلحت دیدیم بیشتر عمل میکنیم همه این تصمیمات به شرایط و مصالح بستگی دارد .

اگر عراق اینقدر که با ما جنگید، با اسرائیل جنگیده بود، اسرائیل نابود شده بود

بستگی دارد .

ره‌آوردهای جنگ

تجربهای که در این جنگ بدست آوردیم و دنیا هم برایش این تجربه حاصل شد بسیار با ارزش است و در اثر این تجربه تصور نمیرود که حتی ابر قدرتی هم فکر تجاوز به ما را نکند . با این کیفیتنی که مردم ما می‌جنگند فرض کنید آمریکا یک ملیون نظامی در ایران پیاده کند ولی بیش از آنچه که مزدوران بعضی کردند نمیتواند انجام دهد گذشته از آن که آمریکا به این اندازه نمیتواند نیرو بیاورد و کسک رسانی و تدارکاتش هم به این آسانی نیست و

بنا بر این همه فهمیده‌اند که با ایران نمیشود جنگید .

این جنگ شیوه جدیدی را به ملت‌های دنیا آموخت و هر یک از کشورهای عربی که واقعا بخواهند با اسرائیل بجنگند با همین شیوه‌ای که ما جنگیدیم میتوانند اسرائیل را شکست بدهند چون اسرائیل یک کشور سه ملیونسی است که بیش از یک ملیون آنها از خود اسرائیل نیستند و از اطراف هم بسته و محصور است و اگر روزی یک جنگ جدی واقع شود بیش از ۸-۱۵ روز نمیتواند تحمل کند و بعد از آن خفه میشود .

سوریه ، اردن یا مصر اگر بخواهند با همین شیوه چند ماه ، جنگ را با اسرائیل ادامه دهند کار اسرائیل تمام است و اگر عراق این قدر که با ما جنگید با اسرائیل جنگیده بود اسرائیل نابود شده بود .

یکی دیگر از آتاری که شیوه جدید ما در جنگ ، پدید آورده این است که شاید دیگر در آینده جهان زیر بار اسلحه‌های پیچیده نرود و این موضوع یک تحول اقتصادی عظیمی را در پی خواهد داشت .

آثار این جنگ در جامعه و مردمی شدن ارتش و آثار دیگری که به برخی از آنها اشاره شد از نکات دیگر این جنگ است که هر کدام از آنها نیاز به بحث مستقلی دارد . یکی دیگر از مسائل مربوط به این موضوع خیانت‌های بنی صدر است در یکسال اول جنگ و تلف کردن بهترین موقعیت ارتش و سپاه و انبازهای پر از اسلحه است که باید جدا گانه مورد بررسی قرار گیرد .

پایان



دنباله تفسیر



۱۰ - " وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ " (سوره غافر - آیه ۶۸)

هرگاه بخواهد موجودی را خلق کند می‌گوید پدید آی پس موجود میشود .

۱۱ - " اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ، وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ، كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى " (سوره فصل - آیه ۲)

خداست آنکه آسمانها را چنانچه می‌نگرید بی‌ستون برافراشت ، آنگاه به عرش برداخت و ماه و خورشید را مطیع و فرمان بردار خود ساخت که همگان تا مدت معینی در سیر و جریانند . تدبیر همه امور در دست خداست بدینگونه آیات خود را تفصیل و توضیح می‌دهد تا شما به ملاقات پروردگارتان یقین یابور کنید .

۱۲ - " قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ " (سوره یونس - آیه ۲۴)

ای رسول (به کافران) بگو تنها خداست که به جهان هستی ، هستی می‌بخشد ، سپس هستی را از آن باز می‌ستاند ، پس شما به کجا رو می‌گردانید ؟

۱۳ - " وَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ، بِدَبْرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ " (سوره قصص - آیه ۷۰)

و او است خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست ، هم ستایش در اول و آخر عالم مخصوص او است ، و هم حکم و سلطنت جهان با او و هم رجوع اهل عالم به سوی او است .

این بود بینش قرآن در نشان دادن صفات خداوند و ارائه حاکمیت الله بر همه هستی در مقاله بعدی نظر انجیل و تورات را در باره صفات خداوند و نقش الله در هستی بیسان خواهیم کرد .



ادامه دارد